



جلوگیری از اطاله دادرسی در نظم حقوقی موجود

پیشنهادات کاربردی دادگاه تجدیدنظر استان تهران

بخش پایانی

بخش دوم: جلوگیری از اشتباهات رایج و قابل کنترل محاکم

بند الف - تشریح متشکل

بررسی محدود و فشرده آمار حدود ۱۰ شعبه با فعالیت متوسط و خوب در دادگاه تجدیدنظر استان تهران برای یک دوره سه ماهه از فعالیتها که در شرایط دشواری صورت پذیرفته و در مواردی نتایج آن صرفاً دورنمایی از واقعیت جاری را به نمایش می گذارد مبین این واقعیت است که متأسفانه اشتباهات اجتناب پذیر دادگاههای تالی در صد قابل ملاحظه ای از علل نقض یا توقف طولانی پرونده در مراجع عالی را تشکیل می دهد. بی شک کنترل آماری تفصیلی کار شعب تشخیص دیوانعالی کشور در این زمینه گویاتر خواهد بود. هر چند به نظر می رسد شعب تشخیص در انجام رسالت قانونی خود چه بسا از دایره محدود مخالفت با نصوص قانونی یا مسلمات فقهی فراتر می روند و آنچه را که با تفسیر مورد نظر آنان از قانون و یا منابع فقهی سازگاری ندارد و یا غیر عادلانه و برخلاف انصاف جلو می نماید نقض می نمایند.

آمار تهیه شده از چند شعبه دادگاه تجدیدنظر تهران که ذیلاً بدان اشاره خواهد شد گویای این مطلب است که کنترل سیستماتیک برخی اشتباهات و تقلیل آن ممکن است.

برای مثال بی توجهی در صدور قرار ابطال ادخواست بدوی به استناد ماده ۹۵ قانون

آئین دادرسی مدنی وعدم عنایت کافی به ایرادات موضوع ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و بالاخره نقض آراء کیفری به علت نقض تحقیقات و بی توجهی به اصل براءت از عللی است که در همان بررسی اولیه به چشم می آید.

از بررسی ۳۶۸ رأی منقوص ۶ شعبه تجدیدنظر تهران با فعالیت متوسط به خوبی روشن می شود که ۱۵ رأی نقض شده یعنی حدود چهار درصد آراء منقوص ناشی از عدم رعایت مواعید قانونی و مهلتهای اقامه دعوی و اعتراض و مرور زمان است که تمرکز بر این قبیل پروندهها نیز ضروری است. همچنین بررسی این آراء نشان می دهد که عدم توجه دعوی به خواننده، ذینفع نبودن خواهان و برخی ایرادات دیگر موضوع ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی علت نقض حدود سه درصد آرای منقوص است.

برای مثال از ۳۶۸ فقره پرونده منتهی به نقض رأی و رد دعوا در شعب ۱۵، ۲۸، ۲۵، ۱۳، ۳۱، ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در ماههای اردیبهشت، خرداد و مهر ۱۳۸۳ حدود ۲۸ پرونده با صدور قرار عدم استماع دعوی تجدیدنظر خواهی به جهت قطعیت و غیر قابل تجدیدنظر بودن آرا منتهی شده است که با توجه به قریب ۲۷۰۰ پرونده منتهی در این سه ماه بیش از یک درصد پرونده ای منتهی این شعب است. این نوع پروندهها تعیین تکلیف فوری و خروج از

گردش را اقتضا دارد.

در امور کیفری گرایش زیادی به نقض قرارهای منع پیگرد و حتی تلقی قرار از احکام براءت و نقض آنها و اعاده پرونده جهت رسیدگی ماهوی وجود دارد. البته چنین تمایلی به لحاظ اینکه نقض قرارها، ادامه دادرسی را درمرجع تجدیدنظر به دنبال ندارد طبیعی به نظر می رسد و در مواردی نوعی تمایل به فرار از رسیدگی به نمایش می گذارد. البته زیاده روی در این امر و به زحمت انداختن قضات بدوی قابل تأیید نیست لکن متأسفانه قضات بدوی به جهت عجله و عدم انجام تحقیقات لازم غالباً بهانه لازم را برای مرجع نقض فراهم می کنند. آمار سه ماهه، مهر، آبان و آذر شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر در این رابطه بسیار گویا است.

از مجموع ۳۸۳ فقره پرونده ارجاعی ۳۷۷ پرونده منتهی شده است. از مجموع پروندهها ۶۶ فقره یعنی ۱۷/۵ درصد منتهی به نقض رأی شده است و از این تعداد ۲۸ فقره یعنی ۴۴ درصد کل آرای منقوص به لحاظ عدم انجام تحقیقات کافی و رسیدگی ماهوی نقض گردیده که شامل نقض در تحقیقات معموله درمرحله داسرا و سپس عدم انجام تحقیقات لازم و رسیدگی ماهوی در محاکم نخستین بوده است.

بند ب- حل مشکل

۱- بی شک در امور مدنی که تمام مراحل دادرسی توسط قضات نشسته هدایت می شود احترام به

قانون و اصل استقلال قاضی نافی برقراری نظم مبتنی بر سلسله مراتب و یا گماردن قاضی اظهارنظر در این قبیل پرونده هاست ولی کنترل غیر مستقیم و اعمال نظارت متکی به بررسی کار قضات از نزدیک تا حد قابل ملاحظه ای ما را در نیل به مقصود که کنترل کیفی کار قضایی با حفظ استقلال قضات است یاری خواهد داد.

۲- انتشار آمار ماهانه مهمترین اشتباهات قضایی و الزام مجتمع ها به تقلیل آن با طرح مسائل در جلسات هفتگی و توجیه دادرسانی که آمار اشتباهات آنان از حد متعارف بالاتر است و ارزیابی کار واحدهای مختلف قضایی در سایه تغییرات این آمار و بهبود کیفی کار و نه صرفاً افزایش کمیت پرونده های مختومه، فضای محاکم را از بینش کمی به کار قضایی به سمت نگرش عمقی و کیفی و کار سوق داده و زمینه را برای رشد قضات دانشمند و دقیق و مؤثر شدن آنها در جمع مهیا می کند.

شایان ذکر است برنامه رایانه ای دبیر خانه دادگاه تجدیدنظر و محاکم بدوی به نحوی تهیه شده است که امکان بررسی تعداد و نتیجه تجدیدنظر خواهی از یک شعبه معین به راحتی در پایان هر ماه قابل استخراج و درصد نقض آرای شعب قابل کنترل است. ولی متأسفانه به علت کمبود نیروی انسانی این اطلاعات از سال ۱۳۷۶ که رایانه بکار گرفته شده است وارد سایت نشده است و نام قاضی صادر کننده نیز که باید از جمله این داده ها مشخص نمی شود.

تکمیل اطلاعات رایانه ای مستلزم پر کردن فرم ایجاد اطلاعات احکام صادره (ضمیمه شماره) توسط مدیران دفاتر است تا لاقفل مشخصات کامل آرای نقض شده درج و کنترل کیفی کار محاکم بدوی بر اساس اطلاعات آماری میسر گردد.

۳- آموزش باید از حالت عمومی و گروهی خارج و به صورت شخصی تر و در گروه های کوچک تحت نظر قضات با تجربه دادگاه تجدید نظر و حتی سایر مراجع قضایی در تهران همچون قضات دادرسی انتظامی که آمادگی همکاری دارند صورت پذیرد. برای مثال قضاتی که در یک دوره زمانی مشخص درصد بالایی از آراء شان نقض یا اصلاح می شود و یا در انشای حکم با مشکل مواجهند به بازخوانی آراء و توجه دادن به ایرادات فرا خوانده شوند.

کاری مشابه آنچه در مورد کارگاه های آموزش کارآموزان قضایی در جریان است در مورد آموزشهای ضمن خدمت ضرورت دارد از بی اعتنایی به آموزشها و تکرار اشتباهات باید به نحو مؤثری با بجایجایی قاضی و گماردن وی در شعبه دیگر یا تغییر رویه ارجاع به شعبه دارای مشکل و نهایتاً عدم موافقت با ترفیعات جلوگیری شود. همانگونه که دورتر نیز به آن اشاره

خواهیم نمود ارزشیابی قضات باید استانی و جدی تر صورت پذیرد. کار ارزشیابی باید علمی تر و جدی تر از تنظیم لیستی از گناهان کبیره قضات باشد.

متأسفانه با امکانات موجود و محدودیت نیروی انسانی ارزشیابی مورد نظر به طور متمرکز در سطح قوه امکان پذیر نیست و لاقفل بخشی از کار که سنجش صلاحیت علمی است باید در سطح محدودتری انجام پذیرد.

۴- استفاده از برگ خلاصه وضعیت پرونده ملصق به جلد آن که با انعکاس خلاصه اقدامات و طرح سوالاتی چند هم احاطه به پرونده را تسهیل می کند و هم به قاضی رسیدگی کننده لزوم برخی از اقدامات را یادآور می شود. نوع اطلاعات خواسته شده در این برگه بر اساس لیست اشتباهات رایج

که اطاله دادرسی را به دنبال دارد تعیین می شود. برای مثال برخی از مهمترین موارد صدور دادنامه اصلاحی مربوط به اشتباه در مشخصات سجلی اصحاب دعوی است که با درج نام و نام خانوادگی به حروف مقطعه در دادخواست و برگ خلاصه وضعیت تقلیل می یابد.

کم نیست مواردی که در آن دادگاه تجدیدنظر به علت عدم اظهار نظر دادگاه بدوی در مورد تمام خواسته های مطروحه در ستون خواسته پرونده را جهت رسیدگی بدوی به دادگاه اعاده می نماید. الزام به تفکیک خواسته ها در این برگه و درج نتیجه رسیدگی بر اساس خواسته به منظور احتراز از این مشکل خواهد بود. همچنین تغییر خواسته در جلسه اول یا تقلیل آن در سایر جلسات مورد غفلت قرار می گیرد و همین امر بخش دیگری از

برگ خلاصه وضعیت پرونده

مشخصات طرفین... شخصیت حقیقی یا حقوقی
در انعکاس نام و نام خانوادگی

دلایل سمت
تمبر و کاتشنامه به میزان
خواسته / خواسته ها در دعاوی اصلی

- خواسته ۱ هزینه دادرسی ...
- خواسته ۲ هزینه دادرسی ...
- خواسته ۳ هزینه دادرسی ...

تاریخ ثبت دادخواست

خواهان... خواسته... هزینه دادرسی
دعاوی طاری: ورود ثالث
جلب ثالث
مقابل

هزینه دادرسی به میزان...

- رعایت مهلت در طرح دعوی / اعتراض
- صلاحیت ذاتی دارد / ندارد
- صلاحیت محلی دارد / ندارد
- علت عدول از صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده:
دعاوی راجع به اموال غیر منقول / دعاوی مربوط به اسناد سجلی / محل انعقاد یا اجرای قرار داد

اولین جلسه رسیدگی:

ابلاغ به خواهان به استناد... صورت گرفته است...
تغییر خواسته دارد / ندارد

ایراد یا ایرادات مطروحه ایراد: موضوع بند... ماد ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی
تجدید جلسه در مورد ایرادات
تجدید جلسه برای تاریخ... به علت...

دومین جلسه... تجدید جلسه به علت...

سومین جلسه...

رأی دادگاه در مورد: خواسته ۱

خواسته ۲

خواسته ۳

نمونه برگ خلاصه وضعیت پرونده که باید در بخش مربوط به امور آزاری توسط دفتر و بخش مربوط به امور قضایی توسط قضای پرونده تکمیل شود

اشتباهات قضایی را سبب می شود.

نمونه این برگ خلاصه وضعیت پرونده که باید در بخش مربوط به امور اداری توسط دفتر و بخش مربوط به امور قضایی توسط قاضی پرونده تکمیل شود در همین صفحه آمده است.

رای دادگاه در مورد دعوی طاری:

۵- بررسی آراء کیفری نقض شده به علت نقض تحقیقات به لزوم توجه ویژه به کنترل کیفری رسیدگی ها واقف می شویم. تمرکز بر این کنترل خصوصاً در مرحله تحقیق مقدماتی در سراسر در دادسرا دو فایده کوتاه مدت و بلند مدت دارد. در کوتاه مدت در پرونده های جاری از تعداد موارد نقض کاسته

می شود. اما مهمتر از آن در بلند مدت تأثیری به سزا در تربیت نیروی کارآمد و با تجربه دارد؛ با تشکیل دادسراها قضات جوان معمولاً زندگی حرفه ای خود را از دادسرا آغاز می کنند و آموزش دقت و سواس قضایی به آنان ثمرات خود را در آتیه دستگاه قضایی بروز خواهد داد.

کثرت کار و تأکید بر مختومه شدن پرونده ها و سرعت عنصر دقت را به مسئله ثانوی تبدیل کرده است بنابراین این با همانگی و همکاری دادگاههای بدوی و دادسرای عمومی و انقلاب با ارائه آمار تحلیلی از پرونده ها در هر ماه گزارش پیشرفت آموزش و بازرسی در دادسرا و دادگاه بدوی باید بر اساس تقلیل مستمر نقض قرارهای منع پیگرد در دادگاه تجدیدنظر نظر ارزیابی و توفیق یا عدم توفیق بر اساس بهبود این وضعیت بررسی گردد. تقویت و کنترل ارزشیابی مستمر کارادادیاران اظهارنظر نقشی مهمتر از تمام تشکیلات اداری آموزش قوه قضائیه دارد.

گروه ارزشیابی استانی باید با بازرسی های مستمر و تشکیل و تکمیل پرونده علمی قضات، دادسرا را در نیل به مقصود یاری داده تا نقض قرارها به جهت عدم انجام تحقیقات کافی به صورت استثنایی نادری در آید.

۶- از بررسی تحلیلی آمار می توان به فراوانی برخی دعاوی در مقاطع زمانی خاص پی برد و با ارائه راه حل های شناخته شده و ایجاد وحدت رویه قضایی مردم را از طرح آن یا تجدید نظرخواهی منصرف نمود. برای مثال دعاوی مربوط به اسناد سجلی با توجه به بالا رفتن سن ازدواج و مشکل اشتغال و استخدام از نظر کمی قابل توجه است. دعاوی مربوط به ابطال اسناد رسمی، تسلیم مبیع و عناوین مرتبط دیگر ناشی از تفسیری است که مقررات قانون ثبت را عملاً از معنا تهی کرده است. صدور بخشنامه یا انتشار مقالات و انعکاس

نظرات حقوقدانان مبرز و تشکیل جلسات علمی موضوعی به اتخاذ سیاست قضایی واحد در برخورد با این نوع دعاوی در مقاطع زمانی مختلف کمک می نماید. البته در مواردی اصلاحات تقنینی ضروری است که در این مختصر مجال و بنای پرداختن به آن را ندارم که قضات تجدیدنظر به مناسبت های دیگری بخشی از این پیشنهادات را

مطرح نموده اند و سیاست قضازدایی از قوانین و مقررات نیز که مورد اهتمام مسئولین دستگاه قضایی است از راه حل های مؤثر است. لازم به ذکر است کشف و طبقه بندی اشتباهات قضایی و علاج آنها در صورت وجود مجتمعهای تخصصی همچون مجتمعهای رسیدگی به دعاوی مربوط به چک و اسناد تجاری و یا تصادفات رانندگی و سوانح کار به نحوی که در ماده ۴ آئین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب پیش بینی شده است آسان تر خواهد بود.

بخش سوم: مشکلات ناشی از پیچیدگی دعاوی و دشواری دستیابی به قواعد حقوقی قابل اعمال، ضعف علمی و کم بودن تجربه قضات

به دلایل مختلف توان جذب نخبگان در دستگاه قضایی در حد مطلوب و مورد نیاز نیست. به علاوه حذف دادسرا و تشکیل دادگاههای عمومی نوعی گسیختگی در پروسه تجربه اندوزی و روان طبیعی انتقال تجربه را به دنبال داشته است. به نحوی که در وضعیت فعلی با از دست دادن تدریجی نیروهای با تجربه تا بازسازی حالت قبلی با نوعی خلأ تجربه و دانش مواجه هستیم. در این بخش تلاش ما بر این است که ساز کاری پیش بینی شود تا با این وضعیت در یک دوره ۳ ساله مقابله و از بهترین نیروهای موجود بالاترین بهره گرفته شود و از نیروهای متوسط یا ضعیف به انحاء مختلف پشتیبانی تا باعث کندی حرکت تشکیلات نشود. به این منظور اقدامات ذیل ضروری به نظر می رسد.

۱- درجه بندی محاکم عمومی همانگونه که دادگستری استان تهران سابقاً پیشنهاد داده است درجه بندی صلاحیت محاکم حقوق مشابه آنچه قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۴ پیش بینی نموده بود یکی از راههای تقسیم پرونده ها بر اساس صلاحیت و توان قضات و در نتیجه تضمین صحت آرا است. بی تردید در آتیه این قضات دادسراها هستند که در جریان ارتقاء شغلی دادرسی محاکم عمومی را

عهده دار خواهند شد. این تغییر فضای شغلی باید با درایت مدیران و به آرامی صورت پذیرد.

در مورد دادگاههای کیفری وجود دادسرا تا حد زیادی مسأله کم تجربهگی قضات را حل می کند ولی قضات دادگاههای مدنی از داسرا و یا دادگاههای کیفری انتخاب خواهند شد و ما کماکان با مشکل بی تجربهگی قاضی مدنی که احتمالاً به سبب دوری از پرونده های مدنی در سالیان متوالی بخشی از اطلاعات نظری وی هم از دست رفته است مواجه خواهیم شد.

وجود مجتمعهای یا شعب حقوقی (مدنی) که با تقسیم کار دارای صلاحیت محدود باشند امکان آماده سازی دادرسان را برای کارهای مهمتر و سنگین تر فراهم می کند و درعین حال احتمال خطا و نقض احکام را نیز کاهش می دهد. به علاوه تجربه نشان می دهد که در جمع نیروهای جذب شده به عنوان قاضی افرادی وجود دارند که به علت کافی نبودن بهره هوشی یا دانش حقوق و استعداد کم برغم سابقه زیاد به هیچ وجه توان قضاوت در امور مهم را ندارند. خروجی این افراد از دستگاه قضایی هم به دلایل مختلف میسر نیست. تنها راهی که مفسده به دنبال ندارد گماردن این اشخاص در شعبی است که صلاحیت رسیدگی به امور ساده را دارند.

ممکن است گفته شود این کار با درایت مقام ارجاع عملی است و جداسازی آشکار دو گروه: محاکم حل و فصل امور بسیره و محاکم مأمور به رسیدگی به امور خطیره، ضروری نیست لکن ما بر این امر اصرار داریم و علت آن احترام و اهتمام به قدر و توان واقعی نیروها و ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر و رقابت سالم برای ارتقاء شغلی است.

به نظر می رسد بدون قانونگذاری و بر اساس اختیارات مدیران قضایی برای تقسیم کار و در صورت لزوم اصلاح آئین نامه گروههای شغلی و تقسیم قضات دادگاههای عمومی به درجه یک و دو با الهام گرفتن از ماده ۷ قانون یاد شده و مقررات مربوط به شوراها حل اختلاف بتوان عنوانهای محدود از دعاوی با پیچیدگی کمتر را با بررسی آماری میزان و موضوعات دعوی با لحاظ نمودن موارد صلاحیت شوراها حل اختلاف در صلاحیت محاکم تحت ریاست قضات درجه ۲ قرار داد و این دسته از محاکم را به حل و فصل دعاوی ساده تر و رسیدگی به اعتراضات به تصمیمات شوراها اختصاص داده، تنها در صورت توفیق در اداره محاکم درجه دو و کسب تجربه لازم به تأیید گروه ارزشیابی استانی، ارتقاء به درجه بالاتر که از حیث موضوعات بر اساس تقسیم کار صلاحیت عام دارند مجاز شمرده شود.

بدیهی است این تقسیم بندی در عمل در دادگاههای تجدیدنظر نیز بکار خواهد آمد. تجدیدنظر از آراء غیر مهم به شعب با تجربه کمتر

یا تصدی شده توسط دو مستشار واکذار و به تدریج قضات به شعب مهمتر منتقل و زمینه برای مهیا شدن تصدی ریاست شعبه تجدیدنظر و ورود آنها به دیوانعالی کشور فراهم شود.

۲- ارزشیابی دقیق قضات

ما مقدمه هر نوع اقدامی مانند آنچه گذشت را شناخت عمیق قاضی و تواناییهای او توسط فاضل ترین قضات می دانیم متأسفانه ما به علت کمبود امکانات و نیرو و گستردگی کار سیستم ارزشیابی که بتواند پاسخگوی تمام نیازها باشد نداریم و به نظر می رسد که باید در هر استان رتبه بندی قضات به بهترین نیروها که لزوماً همان مدیران قضایی نیستند سپرده شود. گزارشهایی از تواناییها و ضعفها که نتیجه مصاحبه و نیز بازرسی های مستمر و هدفمند است در پرونده علمی هر قاضی وجود داشته باشد و حتی کمیسیون نقل و انتقال نیز همین ارزیابی ها را ملاک قرار دهد.

بررسی آماری پیشنهادی شده در صفحات قبل به ما نشان می دهد ضعف هر قاضی و شعبه در چیست. بر همین اساس گروهی در استان بطور مداوم باید مأمور بررسی تحول وضعیت شعب و انعکاس مراتب پیشرفت آنها باشند. استنباط از قانون، دقت در احراز موضوع، حوصله در انشاء رأی و نحوه انشای قضایی و توفیق قاضی در تحصیلات تکمیلی، فعالیت قاضی در جلسات بحث و بررسی قضایی از اموری هستند که به راحتی قابلیت های او را در نزد یک مأمور ارزشیابی و بازرسی متخصص آشکار می سازد. لازم است

تنها در صورت تأیید تواناییها و وجود نمرات ارزشیابی مبتنی بر بر عوامل ملموس مثل استحکام آراء قاضی و مدارج علمی وی و نه عواملی که صرفاً بر برداشتهای مدیران قضایی، واحد ارزشیابی قضات و اعضاء کمیسیون نقل و انتقال اتکاء دارد اجازه ارتقاء شغلی صادر شود. گروههای نظارت و ارزشیابی در هر استان از بهترین قضات تجدیدنظر در استان تشکیل شود تا اطمینان به نظرات آنان و احترام شأن قضایی و علمی اسباب اعتراض به ارزشیابی ها را فراهم نکند.

۳- مشاوره قضایی و کمک به قضات در پرونده های مهم و پیچیده

به نظر می رسد با ارائه مشاوره ملموس تر و نزدیکتر با پرونده بتوان راه را بر برخی اشتباهات مخصوصاً در شعبی که در جریان ارزشیابی مستمر توان و شایستگی خود را آشکار نکرده اند از همان اول بست.

گرچه سیستم تشکیل دادگاه با مشاور آنگونه که در دادگاه حقوقی ۱ مرسوم بود ممکن است باعث اطلاع دادرسی شود ولی استفاده از قضات و کارشناسان با تجربه برای ارائه نظر مشورتی و کنترل پرونده و پیشنهاد راه حل از مراحل ابتدایی حسب درخواست شعب بدوی و نیز ارائه طریق در پرونده های مهم و پرونده هایی که بیش از حد معمول به طول انجامیده است و طولانی شدن دادرسی سبب کشاننده شدن موضوع به مراجع مختلف نظارتی گردیده سبب خروج پرونده از بن بست و انتخاب مسیر صحیح است تجربه واحد رسیدگی به شکایات در حوزه ریاست یامعاونت

دادگستری استان تهران که به اعتراضات مردم رسیدگی می نمود قابل تعمیم است استفاده از کارشناسان، قضات بازنشسته و شاغلان در ادارات مختلف دستگاه قضایی در تهران در خارج از ساعات اداری با پرداخت حق الزحمه در خود شأن و متناسب با کاری که بر عهده دارند در عمل راهگشا خواهد بود. البته سیستم تعدد قاضی برای رسیدگی به پرونده های مهم یا پیش بینی امکان درخواست مشاور در هر مرحله از رسیدگی بدوی مورد حمایت دادگاه تجدیدنظر استان تهران است و می تواند از محورهای اصلاح آئین دادرسی مدنی باشد.

به علاوه در عمل در هر مجتمع قضایی چند قاضی از توان علمی و مقبولیت همکاران برخوردار است و سایرین وی را مرجع سؤالات و مشکلات خود قرار می دهند. بهتر است ارجاعات به یک یا دو نفر از این قضات در مجتمع ها به صورت معقولتری صورت گیرد و بخشی از وقت آنان به حل مشکلات همکاران اختصاص یابد.

دقت در انتخاب لاقبل یکی از معاونان مجتمع به نحوی که از چنین اقتداری برخوردار باشند نیز چاره دیگر مشکل است.

۴- تعیین زمان دادرسی متعارف برای انواع دعاوی یکی از موارد مداخلی مشاوران می تواند پرونده هایی باشد که بیش از حد معمول به طول انجامیده است. برای اینکه معیاری نوعی در اختیار داشته باشیم و بتوانیم در وضعیتی که ایرادای تحت عنوان ایراد اطلاع دادرسی در قانون موجود نیست به اهداف مورد نظر سیستم هایی که چنین ایراداتی را به رسمیت شناخته اند برسیم می توان بر اساس نمونه برداری از پرونده ها برای عنوان رابع دعاوی همچون تخلیه، خلع ید، الزام به تنظیم سند، ابطال قرارداد، مطالبه وجه اسناد تجاری نصاب زمانی تعیین نمود و از طریق دبیرخانه لیست ماهانه پرونده هایی را که بیش از متوسط تعیین شده در شعب مربوطه توقف داشته اند اعلام تا با بررسی موضوع واستعلام علل اطلاع مشورت لازم جهت خروج از بن بست داده داده شود و مقام ارجاع نیز تراکم این نوع پرونده ها را هنگام ارجاع لحاظ نماید.

۵- کمک به دادرسان جهت دسترسی به قانون حاکم بر قضیه با تهیه لوح فشرده قوانین-برخی از مشکلات که سبب توقف طولانی پرونده در شعب و نیز تجدیدنظرخواهی و توسط به طرف مختلف است مشکلاتی است که قاضی در راه دستیابی به حکم قضایی با آن مواجه می شوند. کشور ماه با شروع قانونگذاری به شیوه مدرن کشورهای عضو خانواده رومی - ژرمنی را برای بیان قواعد حقوقی پذیرفته است. قسمت حکمی آراء دادگاهها باید مستند به خطابیات کلی مصوب مجلس قانونگذاری باشد.

قاضی قواعد حقوق را نمی سازد بلکه مجری آن

در هر مجتمع قضایی چند قاضی از توان علمی و مقبولیت همکاران برخوردار است و ایرین وی را مرجع سؤالات و مشکلات خود قرار می دهند بهتر است ارجاعات به یک یا نفر از این قضات در مجتمع ها به صورت معقولتری صورت گیرد و بخشی از وقت آنان به حل مشکلات همکاران اختصاص یابد



است. لکن حجم عظیم متون قانونی و تورم آن لزوم پالایش را پس از گذشت چند دهه قانونگذاری از طرق کدیفیکاسیون ضروری ساخته است.

تورم و کثرت متون دشواری جستجوی قاعده حاکم بر قضیه را دنبال دارد و زحمت مجریان برای جمع قاعد و تعیین قلمرو هر یک مضاعف خواهد کرد. همین بلاتکلیفی و حیرانی سبب اختلاف نظرها و روشن نبودن سرانجام دعاوی و تحریک متظلمین به طرح اعتراضات به منظور بهره‌گیری از احتمالات است.

به علاوه چه بسا متون قانونی مهمی که در میان انبوه مقررات به فراموشی سپرده می‌شود. دادگستری استان تهران لزوم بازنگری در شکل تولید قواعد حقوقی را سابق بر این متذکر شده است اما آن بخش که مداخله مقنن را ایجاب می‌کند از موضوع بحث خارج شده است ولی راه‌حلهایی برای تقلیل مشکل بدون دخالت مقنن متصور است.

از جانب اشخاص حقیقی تلاشهایی جهت ارائه نرم افزارهای قوانین و رویه قضایی و نظریات مشورتی به علم آمده است اما به نظر می‌رسد چنین تلاشی از جانب قوه قضاییه که بیش از همه بدان محتاج است ممدوح باشد. تشکیل کمیته‌های مختلف و بهره‌گیری از اساتید صاحب نام و قضات مجرب جهت ارائه نظرات مشورتی امکان تهیه مجموعه‌های محشی را که نمونه‌های خوبی از آن به طبع رسیده است را به صورت لوح فشرده با امکان جستجوی پیشرفته فراهم می‌نماید تا مراجعه به آن در محل محاکم سبب سهولت کار شود.

۶- ارائه گزارش کار تحلیلی که نوع مشکلات محاکم و دادسراها و اجرای احکام و دیوانعالی کشور و خصوصاً دادسرا و دادگاه انتظامی قضات را در مقاطع زمانی معین شناسایی می‌کند و اشتباهات قضایی را که طرف دعوی را به اعتراض به رأی و یا شکایت و می‌دارد برجسته می‌نماید از مهمترین طرق یاری رساندن به حل و فصل سریع معضلات است. به علاوه در حالی که ارتباط صنعت و دانشگاه در کشورمان در دستور کار قرار گرفته است و چه بسا این صنایع هستند که با دسته بندی و اولویت بندی مشکلات خود زمینه را برای یاری گرفتن از مراکز علمی فراهم می‌کنند دستگاه قضایی در جهت ایجاد پلی بین دانشگاه و محاکم توفیق زیادی ندارد.

مراکز علمی چندان توجهی به آنچه در پرونده‌ها می‌گذرد ندارند ولی این ما هستیم که با ارائه مشکلات و تصمیمات قضایی باید خود را در معرض نقد صاحب نظران قرار دهیم و از این رهگذر به اصلاح روشها و ایجاد رویه‌ها و راه‌حلهای عادلانه پردازیم. بدیهی است اگر ده عنوان دعوائی که بیشتر در دیوانعالی کشور طرح شده است و نوع اشتباهات قضایی که منتهی به نقض آراء محاکم تالی در شعب دیوان شده است و

احتمالاً تحلیلی که قضات صاحب نظران دیوان از راه حل‌های خود داشته باشند در قالب گزارش رسمی سالیانه منتشر شود زمینه یاری خواستن از اساتید صاحب نام که الهام بخش قضات جوان در راه گزینش قواعد عادلانه هستند فراهم می‌شود و کار آموزش و انتشارات قوه قضائیه نیز به سمتی سوق داده می‌شود که در عمل بکار آید.

انتشار چنین گزارشی در سطح استانها نیز مفید و موثر است. یکی دیگر از منابع مفید تصمیمات دادگاه انتظامی قضات است. این تصمیمات یکی از بهترین طرق شناخت آسیبهای موجود در آراء قضایی است و بر اساس آن می‌توان تلاشها را در جهت رفع نواقص جهت داد:

■ تقویت دیوانعالی کشور - شتت در راه حل‌ها که از حجم عظیم منشورات آموزش قوه قضائیه در مورد نشستهای قضایی به خوبی آشکار می‌شود مفید این معنا است که روند شکل‌گیری رویه‌های قضایی کند است و همین امر تردید در راه حل‌ها و معطل شدن پرونده و یا نقض آن در مراجع نقض را به دنبال دارد. رویه قضایی به عنوان یکی از منابع مهم حقوق تا حد زیادی جریان قانونگذاری را جبران می‌کند. اما به نظر می‌رسد عامل اصلی شکل‌گیری رویه قضایی که تأثیر تصمیمات دادگاههای عالی بر تصمیمات دادگاههای تالی است در کشور ما تضعیف شده است. مشخصاً دیوانعالی کشور در ادای وظیفه خود به عنوان ضامن حسن اجرای قانون در محاکم به اندازه کافی توانا نبوده است. تصمیمات دیوان به علت کثرت شعب آن و قلت نخبگان قضایی و نیز

نبود رسیدگی فرجامی به معنای واقعی از قوت و هماهنگی لازم که بتواند منشأ الهام محاکم تالی بشد برخوردار نمی‌باشد و اقتدار معنوی دیوانعالی کشور در حد و اندازه‌ی رسالت مهمی که بر عهده دارد نیست. در این خصوص نیز پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

■ به نظر می‌رسد هیئت عمومی دیوانعالی کشور نیز تحرک لازم را نداشته و نگاهی به آرای وحدت رویه نشان می‌دهد که در طرح آراء متهافت اولویت بندی وجود ندارد. در تمام ممالک دنیا دیوانعالی کشور از مهمترین منابع تحقیقی و علمی است. اما جا دارد علل و زوال اقتدار علمی دیوانعالی کشور ما توجه مسئولان امر را جلب نماید.

معاونت قضایی استان تهران در ارتباط با اعمال مادتین ۲۲۵ و ۲۳۶ در اقدامی نمادین سعی نمود با طبقه بندی و انتشار نمونه‌هایی از تجدید نظر فوق العاده حاصل تلاش کارشناسان را به معرض قضات صاحب نظران گذاشته و استقبال قضات جوان و وکلا از این دو مجموعه در خور توجه بوده است.

■ یکی از طرق تقویت دیوانعالی کشور که البته مداخله قانونگذار را ایجاب نمی‌کند اندیشیدن به ساز و کار ویژه در انتصاب قضات آن است. به نظر می‌رسد ارزشیابی واقعی و علمی کار قضات که اساس پیشنهادات این بخش را تشکیل می‌دهد اجازه می‌دهد قضات برجسته محاکم تجدیدنظر استانهای مختلف شناسایی و هر ساله تعدادی از آنها به دادگاه تجدیدنظر تهران منتقل شوند. دو یا سه سال کار در دادگاه تجدیدنظر تهران هم

دو یا سه سال کار در دادگاه تجدیدنظر تهران هم نیازهای فعالترین دادگستری کشور برآورده می‌کند و هم قاضی می‌تواند محیط جدید و دعاوی نو را با هم تطبیق دهد. پس این که قضات تجدیدنظر این آزمون را پشت سر نهادند مقدمات انتقال آنها به دیوانعالی کشور فراهم شود



نیازهای فعالترین دادگستری کشور را برآورده می‌کند و هم امکان تطبیق قاضی با محیط جدید و دعاوی نو را می‌دهد. پس از این که قضات تجدید نظر این آزمون را پشت سر نهاده‌اند مقدمات انتقال آنها به دیوانعالی کشور فراهم شود.

در حال حاضر تعداد قابل توجهی از قضات تهران به دیوان راه می‌یابند و حتی در مواقعی که کمبود نیرو و احساس می‌شود انتخابهای ناصواب هم صورت می‌گیرد و بدون دلیل موجه با وجود قضات فاضل، فرد مفضول ترجیح داده می‌شود. یکی از علل این امر البته بی‌میلی قضات شهرستانها به انتقال له پایتخت و تحمل مشکلات مادی زندگی در شهر بزرگی مانند تهران است.

مصرانه پیشنهاد می‌شود برای مصلحت دستگاه قضایی و تغذیه دیوانعالی کشور از طریق دادگستری استان تهران امکانات ویژه‌ای که اقل آن تخصیص ۳۰ الی ۴۰ واحد خانه سازمانی به دادگاه تجدیدنظر تهران است در نظر گرفته شود تا امکان جذب نخبگان سایر استانها را برای انتقال به تهران و انشاءالله پس از آن به دیوانعالی کشور فراهم گردد.

■ عده‌ای از نیروهای توانا در دیوانعالی کشور در اسرع وقت مأمور تنظیم گزارش کار تحلیلی که جهت گیریهای دیوان را در طول یکسال به نمایش می‌گذارد شده و لااقل در ۵ موضوع قضایی نوشته‌هایی از صاحبان قلم شاغال در آن مرجع و اساتید دانشگاه ضمیمه آنشود. این کار نوعی هماهنگی و همسویی در مجموعه شعب ایجاد می‌نماید و بر تصمیمات دادگاههای بدوی نیز اثر گذار خواهد بود. به علاوه زمینه‌های مختلف که مداخله هیئت عمومی دیوانعالی کشور در آن از اولویت برخوردار است را روشن می‌سازد.

■ تهیه نشریات تخصصی که متضمن انتشار تعداد بیشتری از گزیده آراء شعب دیوانعالی کشور باشد و قسمت مهمی از آن به نقد آراء قضایی اختصاص یابد ضروری است. صرف وقت و بودجه در این راه و جذب و هدایت دانشگاهیان صاحب نظر در این راه دستاوردهای با ارزشی برای دستگاه قضایی خواهد داشت. امید است در کنار عملی شدن طرحهایی که با واگذاری حل و فصل دعاوی به تشکلهای مدنی بار دادگستری دولتی را سبکتر می‌نماید شاهد قضایی متفاوت باشیم که در آن دقت و سرعت معقول در دادرسی مشخصه بارز محاکم نظام سلامی باشد. آنچه در پایان درخور توجه و تکمید می‌دانیم این است که عملی شدن هر گونه پیشنهاد و طرح اصلاحی در گرو احساس مسئولیت و وظیفه و علاقه به کار در نیروهای انسانی است.

در نخستین مقرراتی که در مورد انفورماتیک در دهه ۸۰ در فرانسه به تصویب رسید یکی از متون قانونی مقرر می‌داشت کار قضاوت نباید توسط رایانه انجام شود. این بیان در خصوص تأییدی که بر نقش عامل انسانی در قضاوت دارد درخود توجه است.

در کنار تمام این پیشنهادات، اقدامات لازم، برای اینکه کار در دستگاه قضایی موجب علو شأن و منزلت اجتماعی عوامل انسانی شود به نحوی که همین شأن و منزلت میل به تغییر و ترقی را افزایش دهد در مرحله مقدم قرار دارد.

اخطار مهم

تقدیم دادخواست به نحو صحیح مهمترین اقدام شما برای احقاق حق است و می‌تواند

بسیاری از مشکلات بعدی پیشگیری کند و شما را در سریعتر رسیدنی به مقصودتان یاری نماید. پس برای اینکه دادخواست شما با مشکلی مواجه نشود و وقت شما تلف نشود و معطل نشوید لطفاً قبل

از تنظیم دادخواست نکات زیر را مطالعه و دقیقاً رعایت فرمایید.

۱- حتی الامکان برای طرح دعوا به وکیل دادگستری مراجعه کنید و اگر به هر علتی نمی‌تواند وکیل بگیرید، قبل از تنظیم دادخواست حتماً با وکیل یا مشاور مورد اعتماد مشورت کنید.

۲- دادخواست را به تعداد خوانندگان به اضافه یک نسخه و یا دقت و خوانا و بدون قلم خوردگی تنظیم کنید و در صورت امکان سعی کنید با ماشین تحریر بنویسید و زیر همه آن را مستقلاً امضاء کنید.

۳- در صورتی که خواهان یا خواننده بیش از یک شخص است نام و مشخصات یکی از آنان را در جدول مربوط بنویسید و نام و مشخصات بقیه را در زیر صفحه اول دادخواست بنویسید تا در تنظیم اوراق اخطار به اشتباه رخ ندهد.

۴- برای اینکه همه نوشته شما خوانده شود و چیزی از قلم نیفتد، در پشت ورقه یا خارج از جدول چیزی ننویسید و اگر قسمت شرح دادخواست گنجایش توضیحات شمار از ندارد از یک ورقه دیگر استفاده کنید و از ذکر مطالب غیر لازم و تکراری و خارج از نزاکت خودداری فرمایید.

۵- مشخصات طرفیت و مخصوصاً نشانی را کاملاً دقیق بنویسید اگر نشانی شما یا طرف دعوی شما بعد از تقدیم دادخواست تغییر کرد فوراً و کتباً نشانی جدید را به دادگاه اطلاع دهید تا وقت دادرسی به علت عدم ابلاغ تجدید نشود.

۶- خواسته خود را دقیق و فقط در محل مخصوص در جدول تعیین کنید و اگر

خواست‌های شما متعدد است درمحل مربوط با شماره مشخص و از ذکر خواسته در متن دادخواست خودداری کنید.

۷- در جدول دادخواست قسمت مربوط به وکیل اختصاص به وکیل شما دارد و هرگز نام وکیل طرف خود را در آنجا ننویسید.

۸- اگر خواسته شما وجه نقد ایران است نیازی به تقویم ندارد ولی اگر خواسته شما ارز خارجی و یا مال غیر نقد است حتماً تقویم نمایید و توجه داشته باشید که تقویم خواسته در قابل تجدیدنظر بودن دعوا تأثیر دارد.

۹- دلائل اثبات ادعای خود را با ذکر شماره در قسمت مربوط نام ببرید.

۱۰- رونوشت یا تصویر تصدیق شده و خوانا و روشن از اسناد خود را به

تعداد خوانندگان به اضافه یک نسخه پیوست کنید و برای اینکه به علت تراکم کار اشتباه پیش نیاید، به امید این نباشید که دادگاه ضمایم هرنسخه از دادخواست را تفکیک و ضمیمه کند و ضمایم هر

یک از نسخه‌های دادخواست را خودتان با دقت تفکیک و به دادخواست پیوست کنید.

۱۱- اگر وکیل یا نماینده قانونی هستید نام و مشخصات و نشانی دقیق خود درمحل مربوط بنویسید و وکالتنامه یا دلیل سمت خود را پیوست کنید.

۱۲- اگر اسناد شما به زبان فارسی نیست علاوه بر رونوشت تصدیق شده سند، ترجمه رسمی گواهی شده آن را هم به تعداد خوانندگان به اضافه یک نسخه پیوست کنید.

۱۳- اگر دادخواست شما متقابل یا ورود ثالث یا اعتراض ثالث یا اعاده دادرسی است حتماً به شماره پرونده اصلی اشاره کنید.

۱۴- دادخواست خود را به دادگاه محلی تقدیم کنید که طرف دعوی شما در آن حوزه سکونت دارد و اگر خواسته شما مال غیر منقول است به دادگاه محل وقوع مال غیر منقول تقدیم کنید.

۱۵- شماره ثبت دادخواست و شماره پرونده خود را دقیقاً یادداشت کنید و هنگام مراجعه همراه داشته باشید.

۱۶- تصویر رایس از تطبیق با اصل سند تصدیق فرمایید و تصویر هیچ سندی را از وی تصویر دیگر برابر با اصل نکنید.

۱۷- اصل اسنادی را که در دادخواست نام برده و تصویر آن را پیوست کرده‌اید در جلسه دادرسی همراه بیاورید.

۱۸- اگر به هر علتی از دعوی خود منصرف شدید سعی کنید قبل از تشکیل جلسه دادرسی کتباً به دادگاه اطلاع دهید.

ظاهراً نشریات تخصصی که متضمن انتشار تعداد بیشتری از گزیده آراء شعب دیوانعالی کشور باشد و قسمت مهمی از آن به نقد آراء قضایی اختصاص یابد ضروری است